

ساختار سلامت و تامین اجتماعی در حکومت علوی

سیاوش پورطهماسبی : دانشگاه علوم پزشکی البرز، معاونت دانشجویی و

فرهنگی، کرج، ایران¹

آذر تاجور : دبیر آموزش و پرورش کرج

ابوالفضل گل : دانشگاه علوم پزشکی البرز، معاونت دانشجویی و

فرهنگی، کرج، ایران

چکیده

امروزه در علوم بهداشتی و اجتماعی موضوع تأمین سلامت و تامین اجتماعی که به طور کلی، با عنوان «خدمات سلامت اجتماعی» از آن یاد می‌شود بحثی اساسی و کاربردی است. مسئله اصلی این است که طرح بحث سلامت و تامین اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه و نظرات حضرت علی (ع) شاید بهترین شیوه در دست یابی به این حوزه می باشد زیرا که نهج البلاغه به عنوان برادر قرآن کریم و حضرت علی (ع) به عنوان یک شخص آگاه به اسلام بعد از پیامبر است، از طرف دیگر وی برای مدتی زمامداری حکومت اسلامی را در دست داشته و بیش از سایر دوره ها زمامداری آن حضرت با تنوع نژادها، زبان ها، رنگ ها، ادیان و سرزمین های مختلف روبه رو شده است واز نزدیک مسائل و مشکلات مردم در این حوزه را درک کرده اند.

با کنکاشی در سیره علوی، این مطلب استفاده می‌شود که حضرت علی (ع) همان‌گونه که برای حیات فردی افراد جامعه برنامه داشتند، در خصوص چگونگی زیست اجتماعی، تامین سلامت، رفاه، تامین اجتماعی، تعاون و همکاری، و همبستگی اجتماعی نیز برنامه دارند. روش انجام این مقاله توصیفی با استفاده از اسناد و مدارك دینی و قرآن و نهج البلاغه است.

مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق این است که از منظر سیره علوی، تامین سلامت و تامین اجتماعی حقی است همگانی که از سوی جامعه و حکومت به رسمیت شناخته شده و به وسیله راهبردهای سلبی و ایجابی برای حمایت از همه افراد جامعه به منظور تامین نیازهای عالی و غیرعالی حیات طیبیه بخصوص به هنگام بحران تعبیه شده است. حیات طیبیه و سعادت‌مند زمانی به وقوع خواهد پیوست که تمام نیازهای مادی و معنوی انسان فراهم شده باشد تا انسان بدون دغدغه خاطر زندگی نماید. انسانی که دغدغه تامین معاش خود را دارد نمی‌تواند در تدارك اصلاح معاد خود باشد.

واژگان کلیدی : نهج البلاغه، سلامت اجتماعی، تامین اجتماعی، حیات طیبیه.

مقدمه :

¹ .نشانی : استان البرز، کرج، میدان آزادگان، بلوار امام رضا(ع)، کوچه شاهد 1، معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی البرز؛ تلفن همراه: 09143549168؛ ایمیل : siavash.p58@Gmail.com

از مهمترین حقوق شهروندان در حکومت اسلامی بر خورداری از سلامت، بهداشت، رفاه و آسایش است. ایشان حق دارند که در یک محیط امن و با آرامش از مواهب هستی بهره مند گردند و اسلام آنها را از حقوق معنوی شهروندان می داند. از نظر قرآن دستیابی به یک محیط سالم و امن از ضروریات زندگی بوده و آیات سوره های (آل عمران، 103) و (حج، 41) برای این مطلب صحه می گذارند. بنابراین برخورداری از امنیت و حفظ و حراست از مردم در برابر ستمگران و بیگانگان و همچنین برخورداری از کار و کسب و آزادی و سلامتی و رفاه و آسایش را حق همه مردم می داند مگر آنکه موجب ضرر به فرد یا اجتماع گردد.

همواره در هر جامعه ای گروهی از افراد را سالخوردگان، معلولان، ازکارافتادگان، خسارت دیدگان و... تشکیل می دهند که ادامه ی زندگی بدون مساعدت دیگران برایشان ممکن نیست. همچنین مردم در استعداد و توان کسب درآمد با یکدیگر متفاوتند. هر فردی تلاش می کند برای دوران ناتوانی خود اقدام به پس انداز نماید. که البته باز هم همه نمی توانند این کار را انجام دهند. از این روی تامین اجتماعی برای ایجاد اطمینان خاطر در زندگی افراد ناتوان است (زاهدی اصل، 1381). بخشی از تامین اجتماعی به عهده ی دولت گذاشته شده و بخش دیگر را مردم به عهده می گیرند و هر جامعه ای به نسبت های متفاوت این کار را انجام می دهد. اسلام نیز بواسطه ی تاکید بر عزتمندی، شرافتمندی و حفظ آبروی افراد و توجه به هر دو بعد مادی و معنوی زندگی، درصدد است تا تامین اجتماعی و عدالت اجتماعی را در جامعه گسترش دهد و به آن بصورت یک اصل مهم توجه دارد (بابازاده، 1379).

مسئله تامین سلامت اجتماعی و عدالت اجتماعی از سیاست های مکتب اقتصادی اسلام است. رفاه و تامین اجتماعی به عنوان ابزار استقرار تأمین و عدالت اجتماعی در کشورهای جهان دارای جایگاه با اهمیتی است، به طوریکه در اکثر کشورهای جهان نظام رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان یکی از بخش های کلیدی به شمار می رود (بابازاده، 1379). این امر ضرورت خود را در جوامعی که پویا بودن را ملاک خود قرار می دهند بیشتر آشکار می نماید. زیرا تأثیر رفاه اجتماعی در افزایش میزان بهره وری و کارایی و نیز توسعه جامعه بیش از پیش خود را بر جامعه تحمیل می کند. اگر نیروی انسانی و منابع انسانی شرط توسعه و پیشرفت باشد، به ناچار باید رفاه اجتماعی آنها نیز در نظر گرفته شود. یکی از مشکلاتی که جوامع بشری همواره دچار آن بوده و از آن رنج برده فاصله طبقاتی حاکم در میان اعضای جامعه است، به گونه ای که اعضای جامعه را به دو دسته تقسیم نموده، عده ای محروم و تهی دست ضروری ترین لوازم زندگی شان از قبیل غذا، مسکن، بهداشت و لباس را نمی توانند تهیه کنند، و عده ای آن قدر مال و ثروت دارند و غرق در ناز و نعمت که حساب مال و ثروت خود را ندارند (مکارم شیرازی، 1389، ج 2). جامعه صالح و مبتنی بر ارزش های والای انسانی جامعه ای است که همه افراد در آن از مزایای نعمت های الهی، که برای بشر آفریده شده،

برخوردار باشند و ترخّم و تعاون در بین آنان حاکم باشد؛ زیرا هدف از زندگی اجتماعی، کمک افراد به همدیگر برای آسان تر شدن راه نیل به کمال است (طباطبایی، 1385، ج 2). اسلام به عنوان يك آیین جامع، که تمام نیازمندی های مادی و معنوی بشر در آن پیش بینی شده، توجه خاصی نسبت به فقرا و محرومان جامعه مبذول داشته است. از این رو، در آیات و روایات، بر تعاون و دیگریاری و تأمین نیازمندی های نیازمندان جامعه سفارش شده است. گذشته از این، در سیره عملی پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام)، شواهد فراوانی در اقدام به تأمین سلامت و دستگیری از فقرا و محرومان جامعه می یابیم. در مکتب اسلام، دیگریاری و تأمین اجتماعی اقشار مختلف جامعه و بویژه قشر محروم و نیازمند جامعه به عنوان یکی از ضرورت های تفکر هنجاری مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، در قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) ضمن تأکید بر همکاری، دیگریاری و سعی در رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی فقرا و محرومان جامعه، اشاره شده است. تعلق اموال به جامعه، اعتقاد به حق همه افراد در ثروت های طبیعی، برادری اسلامی و مشارکت فقرا در اموال اغنیا از آن جمله است. تأمین اجتماعی علاوه بر بنای عقلا (سیره عقلا) عقل نیز آن را تأیید می کند. روشن است جامعه ای قوی محسوب می شود که مردمانش سالم و توانمند و برخوردار از غذا، آب، روح و روان سالم و بهداشتی بوده و روحیه تعاون و همکاری بر افراد حاکم باشد، به گونه ای که قوام جامعه از هم پاشیده نگردد. از سوی دیگر، می دانیم تأمین حداقل زندگی و ضروریات حیات اجتماعی (مثل بهداشت، مسکن و...) برای همه افراد جامعه ضروری و لازم است. حال اگر ضروریات زندگی افراد تأمین شود، جامعه به سوی کمال، آرامش و اصلاح به پیش می رود، ولی اگر افراد دغدغه خاطر تأمین ضروریات زندگی خود را داشته باشند به سمت فساد، کجروی و آسیب های اجتماعی سوق پیدا می کنند. بنابراین، دولت اسلامی باید ضروریات و نیازمندی های زندگی را برای مردم تأمین نمایند تا به هدف مطلوب خودشان که همانا داشتن جامعه سالم و به دور از فساد و آسیب است برسند.

تأمین سلامت و تأمین اجتماعی راهبردهایی هستند برای توزیع مجدد ثروت و رفع فقر و تأمین سلامت و رفاه افراد کم درآمد و کم برخوردار. برای ایجاد عدالت و برداشتن شکاف طبقاتی باید به سوی توزیع مجدد ثروت برویم که در حقیقت، تأمین اجتماعی طرح اجرایی آن را به ما نشان می دهد، بر اساس مبانی اقتصاد اسلامی، می توانیم از فقر و فقیر و خط فقر چنین تعریفی ارائه دهیم: فقر میزانی از درآمد است که خانوار را قادر به تأمین مخارج سالانه خود نسازد. این مخارج به صورت نسبی سنجیده شده و ملاک آن رفاهی است که متعارف شهروندانی که در شرایط مشابه سرپرست خانواده به سر می برند، از آن بهره مندند. خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، بهداشت و درمان، تحصیلات، وسیله سواری، لوازم منزل، سفرهای زیارتی، پذیرایی ها و هدایای خانوادگی، سرمایه و وسایل کار، خدمتکار و... (در حد متعارف شرایط مشابه خانوار) از جمله آنهاست. در برابر فقیر، غنی و ثروتمند قرار دارد که با چنین شکافی

روبه‌رو نیست و ارضای نیازهای ضروری و تکمیلی، در چارچوب میزان رفاه جامعه‌اش و میزان پیشرفت اقتصادی آن، بر او دشوار نیست، اعم از آنکه ثروتی هنگفت داشته باشد یا نه. نتیجه‌ای که در این بحث می‌گیریم، آن است که تعیین خط فقر در اسلام، بر اساس مکتب اقتصاد سرمایه‌داری هرگز به معنای تأمین حداقل نیازها و برای گذران زندگی (بخور و نمیر) نیست، بلکه به معنای تأمین همه نیازها - ضروری و غیرضروری - يك انسان به منظور تأمین زندگی سعادت‌مندانه برای تقرب به پروردگار است (صاحب فصول، 1382).

در آغاز استقرار مسلمانان در مدینه، دامنه فقر بسیار گسترده بود. علاوه بر اصحاب صُفّه، که در فقر شدید به سر می‌بردند زندگی مهاجران به انصار وابسته بود (کتانی، 1384، ص 224). دیري نپایید که به برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی و تأمین اجتماعی، وضعیت همه آنان بهبود یافت، به نحوی که در اواخر سال‌های عمر پربرکت پیامبر (ص) همگی مهاجران، مسکن، شغل، و وضعیت رفاهی مناسبی پیدا کردند (صدر، 1387، ص 44). این بهبود به گونه‌ای بود که در سال هشتم هجری، با توانمند شدن جماعتی از مسلمانان، فریضه زکات تشریع گردید. وجوب پرداخت زکات مستلزم ارتقاء سطح رفاهی خانوارهایی بود که در پایان سال مشمول پرداخت زکات می‌شدند. در زمان خلیفه سوم، به دلیل فاصله گرفتن جامعه از سنت‌های صحیحی که پیامبر (ص) بنا گذاشته بود، محرومیت و شکاف طبقاتی مجدداً در جامع به اوج رسید با آغاز خلافت امیرالمؤمنین (ع) آثار رحمت و عطوفت الهی بار دیگر بر امت اسلامی نمایان شد (محمدی ری‌شهری، 1421ق، ص 137-270). امام علی (ع) با احیای سیره و سنت نبوی (ص) چهره کربه و بیزارکننده فقر را تا بدانجا عقب راند که خود فرمود: [در دوران حکومت من] هیچ کس در کوفه شب را به روز نمیرساند، مگر اینکه زندگی آسوده‌ای دارد. فروپایه‌ترین مردم نان گندم مخورَد، سایبانی دارد، و آب گوارا منوشد (مجلسی، 1403ق، ج 40، ص 327).

سیر تاریخی تأمین سلامت و تأمین اجتماعی در اسلام

تا قبل از پیامبر (ص) و در عصر جاهلیت، الگوی متشکلی برای تأمین و یا تکافل اجتماعی وجود نداشت. مهمترین عامل در شکل‌گیری عناصر يك الگوی رفتاری و نهاد اجتماعی، زیربناهای بینشی و ارزشی حاکم بر آن است. از این‌رو، پیامبر اکرم (ص) اولین گام تأسیس نظام موردنظر خود را با دعوت به توحید و تحکیم مبانی اعتقادی رفتارها و نهادهای اجتماعی آغاز نمود (مجلسی، 1403ق، ج 18، ص 202). یکی از عقاید مهمی که رسول خدا (ص) مردم را با آن آشنا کرد، ایمان به قیامت و زندگی بی‌منت‌های آخرت و وعده نعمت‌های بهشتی به کسانی که در راه خدا ایستادگی کنند، بود. این دو عقیده، باعث شد که سایر اجزا و عناصر فرهنگ جدید بر روی آن قرار گرفته و زمینه لازم برای پیاده کردن برنامه‌های تحول در سایر عرصه‌های زندگی از جمله تأمین سلامت و تأمین اجتماعی را فراهم ساخت.

اولین اقدام پیامبر (ص) پس از مهاجرت به مدینه، تأسیس، تقویت و سازماندهی نهادهای اجتماعی برای اعمال سیاست‌های تأمین اجتماعی بود.

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای مهمی در زمینه تأمین سلامت و بهزیستی دارد. از آن جمله حمایت از کودکان، سالخورده‌گان، زنان و آسیب‌دیدگان ایفا می‌کند. این نهاد، پیش از اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم (ص) از جهات متعددی به تقویت آن پرداخت: اول، اصل تشکیل خانواده با تشویق جوانان و افراد مجرد به ازدواج مورد تأکید قرار گرفت. دوم، پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده، بخصوص میان همسران با یکدیگر و فرزندان و والدین، در سایه ارشادات ایشان استحکام بیشتری یافت. سوم، روابط اقتصادی و مالی میان اعضای خانواده مانند تقسیم کار بین زن و شوهر، وجوب نفقه همسر و ضرورت تأمین نیازهای فرزندان و والدین و در مراتب بعدی، سایر خویشاوندان تبیین گردید (محمدي ري‌شهری، 1386، ص 217، ح 630).

نهاد عشیره، حلقه‌ای از مجموعه نهادهای اجتماعی است که از به هم پیوستن خانواده‌ها و افراد خویشاوند تشکیل می‌شود. این نهاد نیز کارکردهای مفیدی در زمینه حمایت‌های اجتماعی دارد. از آن جمله می‌توان به مشارکت در پرداخت دیه جرایم غیرعمدی (دیه عاقله) اشاره کرد. چنین کارکردی، پیش از اسلام وجود داشت. پیامبر اکرم (ص) نیز آن را تأیید نمود (قابل، 1383، ص 401). از به هم پیوستن افراد، خانواده‌ها و عشیره‌های وابسته، واحد بزرگتری به نام «قبیله» تشکیل می‌گردید که آن هم پیش از اسلام سابقه داشت و در مواردی چون سازماندهی واحدهای اجتماعی برای دریافت کمک‌ها، دارای آثار مثبتی بود به همین جهت از آن نیز استفاده می‌شد.

پیامبر اکرم (ص) بر پایه عامل وحدت ایمانی، در اولین ماه‌های استقرار در مدینه، دو اقدام بسیار اساسی انجام دادند. گام اول، تدوین اساسنامه امت اسلامی بود. این اساسنامه حاوی فرازهای حمایتی بسیار مهمی بود. مثلاً در یکی از بندهای آن آمده است: «وَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَتْرُكُونَ مَفْرَحًا بَيْنَهُمْ أَنْ يُعْطَوْهُ بِالْمَعْرُوفِ فِي فِدَاءٍ أَوْ عَقْلٍ». این عبارت بیانگر این است که در صورت بروز چنین مواردی برای هر یک از مؤمنان، سایر مؤمنان او را در تحمل بار این مشکلات تنها نمی‌گذارند، بلکه در حل آن به روش‌های متعارف مانند پرداخت خسارت و خون‌بها او را یاری خواهند نمود. (احمدی میانجی، 1419ق، ص 24).

گام دوم پیامبر (ص)، انعقاد پیمان اخوت میان مسلمانان بود. در اثر این پیمان، مهاجران که فاقد مسکن، شغل و درآمد کافی برای اداره زندگی خود بودند، در مال و زندگی برادران انصار خود شریک شدند. از این طریق زمینه اسکان، اشتغال و کسب درآمد برای آنان فراهم شد. برای آن دسته از مسلمانانی که موفق به انعقاد پیمان برادری نشده بودند، در کنار مسجد، محلی به نام «صُفّه» در نظر گرفته شد که در همانجا زندگی می‌کردند و نیازهای زندگی آنها نیز با کمک سایر مسلمانان تأمین می‌گردید (کتانی، 1384، ص 221-224).

با توصیه‌های موکد رسول خدا (ص) در زمینه رعایت ارزش‌هایی مانند اخوت، محبت، مؤاسات، تعاون، وحدت و پرهیز از اختلاف یاران حضرت،

همان گونه که برای رفع نیازهای خود تلاش می کردند، نیازهای جامعه را نیز در نظر داشته برای رفع آن نیز تلاش و برنامه ریزی می کردند. برادری اسلامی یکی دیگر از مبانی تعاون اجتماعی و تأمین زندگی نیازمندان و محرومان جامعه در اسلام به شمار می آید که در قرآن و احادیث نیز بدان اشاره شده است. مسلمانان از آن نظر که باهم برادرند، باید به یکدیگر کمک نمایند. بنابراین، اگر در جامعه فقیر و مستمندی وجود دارد، اجازه ندهد که گرسنه، پابرهنه و بی سرپناه بماند، در حالی که خودش امکانات لازم برای تأمین نیازهای خود و دیگران را داراست (حکیمی، 1370، ص 241).

دیدگاه نهج البلاغه درباره سلامت و تأمین اجتماعی شهروندان

حکومت اسلامی در حکومت امیر المومنین علی (ع) تبلور پیدا کرد و می توان گفت آینه تمام نمای اسلام است. علی (ع) در دوران بیست و سه سالگی رسالت از کتاب و سنت نبوی، دانش مدیریت مدنی را آموخته بود و با فرهنگ، سنت و هدف قبیله گرایی نیز بخوبی آشنا بود. او در روزگار بیست و پنج ساله پس از پیامبر نیز از رویدادها، تجربه ها اندوخته و از شیوه های گوناگون مدیریتی، عبرت ها و آموزش ها گرفته بود. او اکنون می خواست جامعه را به صورت نظام یافته و قانونمند اداره کند تا جامعه تحت تأثیر شخصیت های نیرومند و ناتوان قبیله یا غیر قبیله قرار نگیرد. او می خواست عدالت را در جایگاه شایسته خود مستقر سازد و با تربیت تجربی و ملی نسل ها به تدریج از نفوذ فرهنگ قبیله ای و جاهلی بکاهد. به همین دلیل متوجه شدند که مدینه دیگر ظرفیت مناسبی برای به اجرا در آوردن و پذیرش این برنامه نیست، به کوفه رفت تا آن شهر نو بنیاد با شهروندان گوناگون و چند فرهنگی را در معرض آزمایش اجرای برنامه ای قرار دهد ولی به دلایلی کوفه نیز نتوانست آن برنامه پیشرفته را به اجرا در آورد. به هر حال حضرت به حذف موانعی که بر سر راه آزادی و آگاهی مردم به وجود آمده بود کمر همت بستند و در جنگهای جمل و صفین با هواداران امتیاز خواهی، بی عدالتی و ستمکاری و تجاوز به حقوق مردم جنگ کرد (جعفری، 1385، ص 254-256). آن حضرت، علاوه بر آنکه حزب اموی قاسطین و ناکثین را به دلیل انحراف از میزان عدالت، تحمل نمی کند، بلکه کارگزارانش را نیز به اندک بهانه انحراف از میزان عدالت، سرزنش و کنترل می کند.

از آن جمله ایشان یکی را به سبب وسعت و گسترده گی خانه اش - و در حالی که توده مردم توانایی کافی ندارد (نهج البلاغه، خطبه 209) و دیگری را به دلیل تبعیض در تقسیم بیت المال، امتیاز بخشی و رانت دهی سیاسی، اقتصادی به نزدیکان و بستگان (نهج البلاغه، خطبه 232 و نامه های 42 و 71) و شخص دیگری را به خاطر گرانی خانه مسکونی اش (همان، خطبه 3) و چهارمی را به دلیل اختلاس و چپاول بیت المال (همان، نامه 41) و حتی شخصیت برجسته ای همچون عثمان بن حنیف را به خاطر حضور بر سفره توانگران (همان، نامه 45)، توبیخ و سرزنش نموده تنزیل درجه و معزول کرده و با تکیه بر شیوه های

متفاوت و متداول اداری، کنترل کرده است. آن حضرت علاوه بر فرمان هایی که به کارگزاران خویش در جهت تأمین اجتماعی محرومان جامعه می دهد، خود نیز عملاً به تأمین این قشر در جامعه اقدام می کند. آن حضرت خود را «پدر یتیمان» معرفی می نماید و همچون پدر با آنان رفتار می کند (کلینی، 1389، ج 1، ص 406).

بر اساس مبانی که گفته شد حکومت اگر بخواهد، سلامت، امنیت و معنویت را در جامعه پیاده سازد و رفاه شهروندان را تأمین کند، باید: عقده های روانی و بحران هویت و شخصیت را از طریق مهرورزی و توجه به نیازهای روانشناختی و تنکاری (همان، نامه های 18 و 53) و همدردی و همرنگی در زیست اجتماعی با توده مردم (همان، خطبه 209) و تکریم عرف و عادات و آداب معقول فرهنگی و اجتماعی مردم (همان، نامه 53 و حکمت 401) و نفی امتیازات ناروای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و دو قطبی بودن جامعه (همان، خطبه های 3 و 15 و نامه 53) و . . . درمان کرده و جان ها را آرامش و آسایش بخشد (اسلامی، 1382، ص 147).

بدون تردید در سیاست عمومی و در دراز مدت در زمینه تأمین سلامت و نیازهای زندگی افراد جامعه بر این عقیده بودند که افراد با در اختیار داشتن کار و سرمایه مناسب، بتوانند با عزت و کرامت مخارج زندگی خود را تأمین کنند (قابل، 1383). از این رو، ایشان از نیازخواهی، تنبلی و تکدی گری به شدت نهی و بر لزوم کار و تلاش برای کسب روزی الهی و فراتر از آن بر کارآفرینی تأکید می کردند. در کلامی منظوم از ایشان چنین نقل شده است: «برای من سنگ کشی از قله های کوه آسان تر است از این که منت دیگران به دوش بکشم. به من می گویند در کسب و کار تنگ است، ولی من می گویم: تنگ این است که انسان از دیگران درخواست کند». (زاهدی اصل، 1381). ایشان افراد را به کار تشویق می کردند و این درخواست را با عبارت «العمل العمل» (نهج البلاغه، خطبه 176) مورد تأکید قرار می دادند. و در این عمل نیز جدیت را خواستار بودند. ایشان در این باره می فرمایند: «فعلیکم بالجد والاجتهاد» (نهج البلاغه، خطبه 230).

علی (ع) خطاب به فرزندش می فرمایند:

«انسانی که طالب معیشت خود است ملامت مکن؛ زیرا در فقر و تنگدستی، خطاهای او زیاد می شود. ای فرزندم؛ فقیر، حقیر است، سخن او شنیده نمی شود و مقام او شناخته نمی شود. فقیر اگر راستگو باشد، دروغگویش خوانند و اگر زاهد باشد و پرهیزگار، او را نادان گویند (میزان الحکمه، ماده فقر، حدیث 15993).

طبق موازین اسلام، شخصی که در حین توانمند بودن به یک سیستم و یا سازمان و به طور کلی به کشورش خدمت نموده و باعث رونق و سربلندی آن شده است، حق طبیعی اوست که بعد از مدت کاری که طبق قانون و یا عرف انجام داده، بر او تکریم گردد و حقی برای وی و افراد تحت تکفلش در نظر

گرفته شود. از علی (ع) نقل کرده اند: «مرد سالخورده نابینایی به گدایی مشغول بود، حضرت علی (ع) پرسید این کیست؟ گفتند ای امیر مومنان (ع) مردی نصرانی است، آن امام پرهیزکاران فرمود: از او چندان کارکشیده اند تا کهنسال و ناتوان شده، حال به او چیزی نمی دهید، مخارجش را از بیت المال مسلمین بدهید. منطبق آن حضرت در نامه ای به مالک اشتر این است: «مردم یا برادر دینی تو هستند و یا نظیر نوعی تو (قربانی، 1390، ص 47)».

حضرت علی (ع) در تامین خدمات اجتماعی و انسانی چنانچه که وظیفه یک حاکم دادگر است تا برای شهروندان انجام وظیفه کرده و به امور آنان رسیدگی کند به مالک می فرماید: تو را بر چهار مسئولیت موظف کردم: تا مالیات های آن سرزمین را جمع آوری کنی؛ با دشمنان آن کشور بجنگی؛ به اصلاح اهل آن همت گماری؛ و به عمران و آبادانی آن مناطق پردازی. ایشان همچنین در تامین سلامت و آبادانی و رفاه شهروندان به مالک متذکر می شوند که: «کوشش تو در تامین سلامت و آبادانی زمین بیش از کوشش در جمع آوری مالیات باشد؛ زیرا مالیات جز با آبادانی به دست نمی آید و آن کس که بخواهد مالیات را بدون آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می سازد و حکومتش بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت (همان، نامه 53). برای مثال ایشان می فرمایند: افراد سالخورده و مریض و از کار افتاده و ناتوان در برابر جامعه تکلیفی ندارند ولی حقی نیز دارند و لازم است نسبت به آنان به عنوان شهروندی از جامعه مراقبت شود. اولین نکته در این زمینه، وجود معافیت های مالیاتی است. این معافیت ها در خمس و زکات به صورت حد نصاب وجوب پرداخت، و در مورد جزیه و خراج با تأکید بر این نکته بیان شده است که این مالیات ها باید از مازاد درآمد مردم گرفته شوند. در یکی از نامه های امام علی (ع) به مسئولان خراج آمده است: «[خراج دهندگان] را بر خراج از طاقتشان تکلیف نکنید و با مردم به انصاف رفتار کنید و بر نیازهای آنان صبور باشید» (نهج البلاغه، نامه 51). حضرت در توصیه دیگری به یکی از مأموران جمع آوری خراج فرمود: «مبادا مسلمان یا یهودی یا مسیحی را برای ستاندن درهمی خراج، بزنی یا برای گرفتن درهمی، چهارپایی را که با آن کار میکنند، بفروشی که ما مأموریم تا زیاده مال ایشان را بگیریم» (کلینی، 1389، ج 3، ص 540).

ایشان در مورد مسائل اقتصادی و ایجاد رفاه در جامعه، پرداختن حقوق واجب مالی که خداوند پرداختن آنرا برای اغنیا لازم دانسته، برای رفع احتیاجات زندگی لازم می داند و برای مبارزه با فقر و برای اینکه نیاز اقتصادی همه اعضای جامعه تامین شود کافی است که ثروتمندان حقوق مالی خود را بپردازند. (قابل، 1383). حضرت در یکی از سخنان خویش می فرماید: خداوند غذا و نیاز نیازمندان را در مال توانگران قرار داده است. پس فقری گرسنه نماند جز آنکه توانگری از حق او بهره مند شده است و خدا توانگران را در این کار باز خواست خواهد کرد (همان، حکمت 328). ایشان در دخالت دولت اسلامی در اقتصاد برای تامین نیازها و در آمد شهروندان می فرمایند: هیچ کس

در کوفه نیست که زندگی او سامانی نیافته باشد، پایین ترین افراد نان گندم می خورند، و خانه دارند، و از بهترین آب آشامیدنی استفاده می کنند. به نظر ایشان عدالت اقتصادی موجب توزیع عادلانه در آمد بین اقشار جامعه شده و موجب خواهد شد مردم در رفاه و آسایش زندگی کنند.

مشمولان تأمین سلامت و تأمین اجتماعی در حکومت علوی

نظام های تأمین اجتماعی معاصر موارد متعددی مانند قطع و یا کمبود درآمد، بیکاری، بیماری، بازنشستگی، از کارافتادگی، بازماندگان را تحت پوشش قرار می دهند. مشمولان سلامت اجتماعی، تحت عناوین ویژه ای ارائه می گردد. در این بخش، به بررسی مهمترین این موارد خواهیم پرداخت.

1- تعاون و همکاری در امور: بنای اولیه و قاعده مبنایی در جامعه اسلامی تعاون و همکاری افراد با یکدیگر است: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) (سوره مائده، آیه 2). در این آیه، مبنای مشارکت جمعی بر تعاون در امر خیر و تقوا گذاشته شده و در مقابل، از تعاون و همدستی در امر شر (گناه) و ستم پیشگی نهی شده است.

2- رعایت احسان و نیکوکاری: حس همکاری و گشاده دستی نسبت به اطرافیان و نیازمندان، یکی دیگر از اصول قرآنی است: (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ الْمَسْجِلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا) (نساء: 36 و 37) آیه مزبور، بر احسان و تکافل بر این موارد تأکید می کند: احسان به والدین، نزدیکان، یتیمان، مساکین (نیازمندان شدید)، همسایگان، در راه ماندگان، و بخل نورزیدن.

در عظمت موضوع همین بس که احسان و نیکوکاری و تکافل در کنار امر به توحید و شرك نورزیدن به خدا، قرار داده شده است و در پایان، به کسانی که نسبت به آنچه خدای متعال به آنها داده انفاق نمی کنند، وعده عذاب داده است. گویی کسانی که از ثروتی برخوردار هستند نگاه استقلالی به ثروت دارند نه نگاه واسطه ای؛ به نوعی که فکر می کنند آن را مستقلاً با صرف تلاش و کوشش شخصی خود به دست آورده اند و از علم و دانش خود بهره گرفته اند و هرگونه که بخواهند می توانند مصرف کنند و به کسی چیزی ندهند. قرآن کریم این منطق را به شدت رد می کند و آن را منطق قارونی معرفی می کند که گفت: (إِنَّمَا أَوْفَيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي) (قصص: 78)، در حالی که يك انسان موحد به مال و ثروت نگاه ابزاری دارد که خداوند - به عنوان مالك - همه چیز را موقتاً در اختیار او گذاشته تا هم خود استفاده کند و هم به دیگران بهره برساند.

3- رعایت عدالت: یکی از وظایف و کارکردهای حکومت اسلامی تحقق عدالت اجتماعی است. عدالت در اینجا بدین معناست که همه افراد جامعه از

حقوق تعریف شده برخوردار باشند. یکی از آن حقوق تأمین نیازهای اساسی فرد برای داشتن زندگی سعادت‌مندانه است. عدالت اقتضا می‌کند این نیازها از راه‌های قانونی و مشروع از ابتدای زندگی تا به هنگام مرگ و در همه احوال و شرایط زندگی تأمین گردد. نیازهای مادی - معیشتی و نیز نیازهای روحی و معنوی هنگامی به نحو مناسب تأمین می‌گردد که عدالت در جامعه گسترده شده باشد، در غیر این صورت، اختلاف در سطح برخورداری، همیشه بین طبقات مختلف جامعه وجود خواهد داشت. حضرت علی (ع) در نامه خویش به مالک اشتر درباره رعایت عدالت و برابری می‌فرمایند: «برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی وجود دارد».

شهید صدر نیز عدالت اجتماعی در مکتب اقتصادی اسلام را اینگونه تبیین می‌کند: «اصل سوم اقتصاد اسلامی، اصل عدالت اجتماعی است. اسلام نظام توزیع ثروت در جامعه‌ی اسلامی را از عنصرها و تضمین‌هایی بهره‌مند کرده که بتواند عدالت اسلامی را محقق ساخته و با ارزش‌هایی که بر آنها استوار است، انسجام داشته باشد. شکل اسلامی عدالت اجتماعی دو اصل عمومی دارد که هر کدام اصول و جزئیاتی دارند: الف) اصل تکافل عام؛ (کفالت همگانی)؛ ب. اصل توازن اجتماعی، که در حقیقت به آنچه درباره‌ی مسئولیت‌های دولت ذکر می‌شود، اصل نخست تحت اصل جامع‌تر تأمین اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین شکل عدالت اجتماعی، دو اصل عمومی تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی دارد (صدر، 1387).

4- تأمین نیازهای متعارف فقرا و نیازمندان

در اشاره به «فقیر» بوده این واژه، وقتی به تنهایی به کار می‌رود، موارد مشابهی چون؛ مسکین، سائل، محروم و یتیم را نیز در بر می‌گیرد. در چنین مواردی، جامعه، اعم از دولت و آحاد مردم، در مقابل تأمین نیازهای زندگی او مسئول بوده، او را تا حد رساندن به سطح زندگی سایر مردم مورد حمایت قرار داد. عناوین فقیر، مسکین و یتیم در موارد مصرف زکات، صدقات، انفاقات، خمس و فیه، که عمده منابع تأمین اجتماعی در اسلام را تشکیل می‌داده‌اند، ناظر به تأمین این هدف می‌باشند (توبه: 60؛ انفال: 41؛ حشر: 7؛ بقره: 215 و 177؛ نساء: 36؛ اسراء: 26؛ روم: 38).

امیرالمؤمنین (ع) زمانی که در رأس حاکمیت نبود با فعالیت‌های زیاد اقتصادی دایم در حال آباد کردن زمین و ایجاد نخلستان و حفر قنات بود و آنها را برای فقرا و مستمندان وقف می‌کرد و از اموال شخصی خود همواره زیاد بذل و بخشش می‌نمود. زمانی هم که به حاکمیت رسید، طبق نص و فرمایش صریح خود، هیچ‌کس در مرکز حاکمیت اسلامی (کوفه) بی‌خانمان، فقیر و بی‌بهره از ضروریات زندگی نبود.

امام حسن مجتبی (ع) سالی دوبار اموال خود را بین فقرا تقسیم می‌کرد. رسیدگی به افشار آسیب‌پذیر و تأمین نیازمندی‌های آنان، اولویت نخست مصرف بیت‌المال بود. امام علی (ع) در نامه‌هایی که به کارگزاران خویش می‌نوشت، همواره بر این امر تأکید می‌فرمود. در نامه حضرت به مالک اشتر

آمده است: خدا را خدا را! در مورد طبقه پایین، آنها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان و نیازمندان و تهی‌دستان و از کارافتادگان، در این طبقه هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آنها بدون درخواست، بخشش شود، بنابراین، به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما! قسمتی از بیت‌المال و قسمتی از غلات خالصه جات اسلامی را در هر محل به آنها اختصاص ده و بدان! آنها که دورند به مقدار کسانی که نزدیکند سهم دارند... اگر یکی از سربازانت و کسانی که با دشمنان تو مبارزه می‌کنند، به شهادت رسید، مانند يك وصی دل‌سوز و مورد اعتماد، جای او را پر کن به گونه‌ای که اثر فقدان او در چهره آنان مشاهده نشود (نهج‌البلاغه، نامه 53).

آن حضرت در نامه دیگری، خطاب به قثم بن عباس، که از جانب ایشان والی مکه بود، نوشت: اموالی که در نزد تو گرد آمده و مربوط به خدا است، به دقت در مصرف آنها بنگر، و آن را مصرف عیالمندان و گرسنگان کسانی که در محل هستند بکن. آنچنان که به‌طور صحیح به دست فقرا و نیازمندان برسد و مازاد آن را نزد ما بفرست تا بین کسانی که اینجا هستند، تقسیم کنیم (نهج‌البلاغه، نامه 67). در برخی از احادیث آمده است که اغنیا و فقرا با هم شریکند. بنابراین، اغنیا، که دارای مال و ثروت و کالا می‌باشند، با فقرا، که این‌ها را ندارند، باید همانند شریک رفتار نمایند، و معلوم است که در شراکت، هر دو طرف می‌توانند از شيء مورد نیاز با در نظر گرفتن رضایت هم و حفظ حق همدیگر استفاده نمایند (حکیمی، 1370، ص 237). حضرت علی(ع) نیز به مسلمانان دستور می‌دهد که فقرا و محرومان مسلمان را در زندگی شریک خویش سازید: «فقرأء المسلمین اشرکوهم فی معیشتکم.» (حکیمی، 1370، ص 322).

«تعبیر "مشارکت" لزوم تعاون و کمک‌رسانی را روشن می‌سازد و این اصل را نیز تثبیت می‌کند که بینوایان در مال توانگران ذی حق اند؛ مانند ذی حق بودن شریک. بنابراین، اگر توانگری بخشی از اموال خود را به ناتوانی می‌دهد، در واقع حق و سهم او را پرداخته است. این موضع‌گیری اسلام عمق و اصالت تعاون اجتماعی را آشکار می‌سازد.» (حکیمی، 1370، ص 241). امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: خداوند ثروتمندان و بینوایان را در اموال شریک قرار داد. پس ثروتمندان حق ندارند به غیر شریکشان بدهند.

5- ایجاد آرامش روحی و امنیت روانی نیازمندان

یکی از اموری که همواره فقرا و محرومان جامعه را رنج می‌دهد و آرامش روحی و روانی را از آنان سلب می‌کند، نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی است که آنان نسبت به آینده خویش دارند؛ زیرا به دلیل آنکه این طبقه از افراد جامعه درآمد کافی برای تأمین مایحتاج زندگی‌شان ندارند و با کمک‌های مالی دیگران روزگار خویش را سپری می‌کنند، از اینکه آیا در روزهای آینده این گونه کمک‌ها و انفاقات باز هم در اختیار آنان قرار خواهد گرفت یا نه، نگرانند. یا اندیشه کردن در اینکه نکند این کمک‌ها قطع شود، دله‌ره و اضطراب به سراغ آنان می‌آید و امنیت روانی را از آنان سلب می‌نماید. بنابراین، وجود نهاد و مرجعی در

جامعه که دغدغه های فکری و روانی فقرا و محرومان جامعه را برطرف سازد و امنیت روانی آنان را تأمین نماید، ضرورت می یابد.

در سیره معصومان(ع) به این مسئله توجه کافی مبذول شده است. امامان ما علاوه بر تأمین مالی فقرا و محرومان جامعه، امنیت روانی آنان را نیز تأمین می نمودند. موارد متعددی در سیره آنان سراغ داریم که هنگام کمک های مالی به فقرا و محرومان، جملاتی بر زبان آورده اند که دغدغه های فکری و روانی آنان را نسبت به آینده برطرف ساخته و امنیت روانی آنان را تأمین نموده اند. چنان که ذکر شد، امام باقر(ع) علاوه بر تأمین نیازمندی های مالی فقرا، امنیت روانی آنان را نیز تأمین می نمود. بیان جملاتی همچون «پیش از آنکه مرا ملاقات کنید این ها برایتان آماده شده بود» و یا «این ها را خرج کن و هرگاه تمام شد مرا باخبر ساز»، به روشنی بر تأمین امنیت روانی فقرا و نیازمندان دلالت دارند. ابراز این قبیل جملات اضطراب و نگرانی نسبت به آینده را از ذهن فقرا دور می سازد و به جای آن، آرامش روحی و روانی را جایگزین می سازد، به گونه ای که احساس می کنند هرگاه در تنگنا و فشار قرار گیرند ملجأ و پناهگاهی دارند که به او مراجعه نمایند و در نتیجه، در کمال احساس آرامش روحی و روانی زندگی می کنند.

6- پرداخت بدهی بدهکاران

پرداخت بدهی کسانی که به دلایلی چون ورشکستگی، تعهد به پرداخت دیه و یا قرض گرفتن، برای تأمین معاش، از ادای دیون خود ناتوان بودند، از جمله موارد پوشش تأمین اجتماعی در حکومت علوی بوده است. عنوان «الغارمین» در بیان مصارف زکات در آیه 60 سوره توبه، بر همین معنا دلالت می کند. پیامبر اکرم(ص) خود را در مقابل پرداخت چنین دیونی، مسئول می دانست. بعدها که درآمدهای بیت المال توسعه پیدا کرد، فرمود: «هر کس دین و یا بازماندگان (فقیری) از خود بر جا گذارد (تأمین آن) به عهده من است و به سویی من بیایند و هر کس که مال و ثروتی به جا گذارد، متعلق به ورثه اوست» (مجلسی، 1403ق، ج 27، ص 242). در روایتی حضرت علی(ع) می فرماید: بدهی بدهکاران، از صدقه و زکات پرداخت می شود، به شرطی که در قرض کردن زیاده روی نکرده باشند، اما فقرا به هر یک از آنها بیش از پنجاه درهم داده نمی شود و همچنین کسی که دارای پنجاه درهم یا مساوی آن از طلا باشد، چیزی به او اعطا نمی گردد» (حرعاملی، بی تا، ج 6، باب 24، ح 10).

گویند: وقتی زمان وفات زید بن اسامه فرا رسید، زید گریه می کرد. امام سجاد(ع)، که بر بالین وی حاضر بود، فرمود: چرا گریه می کنی؟ چه چیزی تو را می گریاند؟ زید عرض کرد: گریه ام برای این است که پانزده هزار دینار دین دارم و چیزی هم بجا نگذاشته ام تا آن را ادا نمایند. امام(ع) فرمود: گریه نکن، من از جانب تو دین تو را ادا می کنم و ذمه تو بری است. آن حضرت پس از وفات زید، دیون وی را پرداخت (شیخ مفید 1413، ج 2، ص 149). در حدیث دیگری به نقل از ابن اسحاق آمده است که در مدینه خانواده هایی بودند که مایحتاج

زندگی شان بدان ها می رسید، اما آنان نمی دانستند از کجا می آید. وقتی علی بن الحسین (ع) در گذشت، غذاها و مایحتاج آن ها قطع شد، تازه فهمیدند که آورنده غذا و مایحتاج آنان آن حضرت بوده است (شیخ مفید 1413، ج 2، ص 149).

7- کمک و مساعدت به در راه ماندگان

در دوران صدر اسلام، که حمل و نقل با وسایل ابتدایی انجام می شد، مسافرت میان شهرها با مشکلات فراوانی روبه رو بود. در آن زمان افراد به دلایلی مانند بسته شدن راه و یا ناامنی و یا تمام شدن آذوقه، در میانه سفر از ادامه راه باز مانده نیاز به کمک پیدا می کردند. واژه «ابن السبیل» در میان موارد مصرف خمس، فیء، زکات، انفاق، احسان و حق الحصاد (انفال: 41؛ حشر: 7؛ توبه: 60؛ بقره: 215 و 177؛ نساء: 36؛ اسراء: 26؛ روم: 38)، ناظر به تشریع این مورد از اهداف تأمین اجتماعی می باشد.

امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق (ع) : افراد زیادی را تحت تکفل داشتند و به امور آنها رسیدگی می کردند، در حالی که بعضی از آنها شیعه هم نبودند؛ صرفاً مسلمان بودند.

پیامبر (ص) فرمودند: مؤمنان در مورد ترحم و دوستی با یکدیگر چنین اند که مانند یک جسد هستند؛ اگر یک عضو از آن جسد مبتلا به مرض شود، کل جسد مبتلا به مرض و بیماری می شود (السباعی، 1403). ایثار خاندان پیامبر در موارد متعدد از جمله بخشش افطاری امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) به مسکین و یتیم و اسیر، در حالی که فرزندان شان خردسال و گرسنه بودند، چنان عظمت داشت که در قرآن از آن با تجلیل یاد شده و به عنوان سرمشق معرفی شده است (سوره انسان، آیه 8).

8- تأمین سالمندان و کارافتادگان

شیوة تأمین سلامت و حمایت اجتماعی و مراقبت از سالمندان در حکومت علوی متفاوت از شیوه های امروزی آن بوده است. قاعده کلی بر این بود که مخارج دوره سالمندی در درجه اول، از محل پس اندازهای دوره جوانی خود فرد و در درجه دوم، از محل مسئولیت های خانواده وی تأمین گردد. چنانچه فردی از حمایت خانواده محروم می ماند، تحت مصادیق عنوان فقیر درمی آمد و مسئولیت تأمین زندگی او بر عهده جامعه قرار می گرفت. با این حال، تأمین زندگی «سالمندان از کارافتاده» از محل درآمدهای عمومی، به ویژه بردگان و اهل ذمه، به طور خاص مورد تأکید قرار داشت. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر فرمود:

رسیدگی به حال یتیمان و زمینگیران و سالخوردهگان بیچاره، که پیش کسی دست دراز نمیکنند را بر عهده گیر و روزیشان را جاری کن، که ایشان بندگان خدایند. پس با مدد رسانی به ایشان و تأمین روزی و ادای حقوقشان به اندازه لازم، به خداوند نزدیکی بجوی، که کارها با پاکی نیتها خلوص میابند! (نهج البلاغه، نامه 53).

افراد تحت حمایت تکافل اجتماعی همه شهروندان حکومت اسلامی هستند، اعم از مسلمان و غیرمسلمانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند. سیره و سنت پیامبر و ائمه اطهار(ع)؛ و همچنین مبانی فقهی، گواه این معناست. در این مقام، نمونه‌ای از آن را که در حکومت امیرالمؤمنین(ع) اتفاق افتاد نقل می‌کنیم: روزی آن حضرت شخصی را در حال تکدی‌گری مشاهده می‌کنند و با تعجب سؤال می‌کنند: این چه وضعی است؟ اطرافیان در جواب می‌گویند: این شخص يك نصرانی است که به خاطر پیری و عجز از کار گدایی می‌کند. امیرالمؤمنین(ع) با ناراحتی می‌فرماید: تا زمانی که جوان بود از او کار کشیدند، حال که پیر و ناتوان شده او را رها کردید؟! از این‌رو، حضرت دستور حکومتی دادند و فرمودند: از بیت‌المال مسلمانان آن‌قدر به او پرداخت کنید تا بی‌نیاز گردد(محمدی ری شهری، 1385، ج4).

9- پیگیری و رسیدگی به احوال بیماران

از آن جا که طب و درمان یکی از نیازهای همیشگی به شمار می‌رود، در میان موارد تأمین سلامت و تأمین اجتماعی، مخاطرات ناشی از بیماری دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا بیماری علاوه بر اینکه سلامتی فرد را تهدید می‌کند، در صورت عدم درمان به موقع، ممکن است به دیگران نیز سرایت کرده، و برای جامعه هم مشکل‌آفرین باشد. از این‌رو، نظام‌های تأمین اجتماعی معاصر، به شیوه‌های گوناگونی مانند بیمه‌های درمانی عادی و تکمیلی و ارائه خدمات درمانی توسط بخش عمومی، مخارج درمانی افراد را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. امروزه پیشرفت‌های گسترده در علم پزشکی و شیوه‌های تشخیص بیماری و درمان آن، شبکه بهداشت و درمان کشورها بسیار پیچیده شده و مخارج درمان نیز هزینه‌های گزافی را بر افراد تحمیل می‌کند.

عبدالحی کتانی در کتاب الترتیب الاداریه در باره وضعیت دستگاه بهداشت و درمان عهد نبوی (ص) می‌نویسد: سعد [معاذ] در جنگ خندق با تیر قریش آسیب دید. حضرت دستور داد در مسجد خیمه‌ای برای خواباندن او زدند و در فواصل کوتاه، عیادت و احوال‌پرسی می‌کرد. ابن اسحاق گوید: آن خیمه متعلق به زنی از قبیله اسلم بود به نام رفیده، و آن زن، زخمی‌ها را مداوا می‌کرد و خود را وقف خدمت به آسیب‌دیدگان مسلمان کرده بود. در الاصابه نام کعبه بنت سعد اسلمی خواهر رفیده نیز آمده که پرستاری بیماران می‌نمود. مؤلف گوید: این مفصل‌ترین مطلب از سابقه بیمارستان در عصر پیامبر(ص)، راجع به بیمارستان‌های به معنای اصطلاحی است. بیمارستان، نخستین بار در زمان ولیدبن عبدالملک به سال 88 تأسیس شد و پزشکان را در آن به کار گماشتند و هزینه معین کردند و دستور داده شد جدامیان آنجا نگهداری شوند که شب‌ها بیرون نیایند، و نیز برای جدامیان و کوران مستمری تعیین شد (کتانی، 1384، ص212).

این گزارش حاکی از آن است که در دوران نخستین حاکمیت اسلام، دستگاه بهداشت و درمان بسیار ساده بود. پیامبر اکرم(ص) و امامان

معصوم (ع) علاوه بر اینکه، خود توصیه‌های فراوان و مؤثری برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها داشتند، مردم را به مداوای بیماری از طریق پزشکان ترغیب می‌نمودند. به این ترتیب، می‌توان گفت: در دهه‌های نخست هجری، بهداشت و درمان، بیشتر جنبه خصوصی داشته و هزینه درمان به عهده خود افراد بوده است. با این حال، جمعیت بیماران به شیوه‌های گوناگونی تحت حمایت قرار می‌گرفتند. اول، اگر بیماری، به علت فقر از عهده مخارج درمان خود بر نمی‌آمد، به عنوان فقیر، مستحق دریافت کمک‌های اجتماعی محسوب می‌شد؛ چراکه به طور قطع نیازهای سلامتی، به مراتب زیادی، بر نیازهای مالی اولویت داشت. (مجلسی، 1403 ق، ج 72، ص 53؛ ج 74، ص 186). دوم، رسیدگی به بیماران و کمک به درمان آنها، همانطور که از عبارت کتانی برمی‌آید، فی‌حدّ نفسه و صرف نظر از فقر مالی بیمار یکی از کارهای خیر به حساب می‌آمد. در همین راستا، عیادت مریض یکی از سنت‌های پسندیده به حساب آمده است (محمدی ری‌شهری، 1416 ق، ج 4، ص 2888-2889). سوّم، یکی از موارد مصرف زکات «سبیل الله» است که عموم آن، کمک به بیماران را نیز شامل می‌شود. در همین راستا، راهکار مهمی که در صدر اسلام برای حل اساسی نیازهای عمومی در پیش گرفته شد، سنت وقف یا صدقات جاریه بود که مواردی چون ساختن راه، مسجد، پل و آب انبار را شامل می‌گردید. به طور قطع، یکی از موارد وقف، ساختن بیمارستان و قراردادن املاک درآمدزا برای تضمین مخارج اداره آن و درمان بیماران می‌باشد. بر اساس این رهیافت، به موازات پیشرفت‌های سریع تمدن اسلامی و توسعه بهداشت و درمان، ساختن بیمارستان‌های موقوفه و درمان مجانی بیماران و حتی کمک مالی به آنها پس از ترخیص، به خوبی در نظام تأمین اجتماعی سرزمین‌های اسلامی جایگاه خود را پیدا کرد (سیریل، 1371، ص 200-208).

الگوی تأمین سلامت و تأمین اجتماعی حکومت علوی

ساختار تأمین سلامت و تأمین اجتماعی حکومت علوی در مقایسه با الگوهای تأمین اجتماعی معاصر از ویژگی‌های ساختاری متمایزی برخوردار بوده است. برخی از این ویژگی‌ها، ممکن است جنبه عصری داشته و قابل تعمیم به شرایط متحول اجتماعی و اقتصادی امروز نباشند، اما بی‌گمان برخی دیگر از آنها این قابلیت را داشته و بهره‌گیری از آنها برای برون‌رفت از مشکلات موجود مفید است. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

-وظیفه عمومی و همگانی (به جای دولت‌محوری)

نظام‌های تأمین اجتماعی کنونی در پاسخ به این سؤال، که مسئولیت برقراری تأمین اجتماعی با چه کسی است؟ به طور عمده، دولت را مسئول این امر می‌دانند و مفهوم دولت رفاه نیز بر همین عقیده استوار شده است. در الگوی حکومت علوی، مسئولیت تأمین اجتماعی به طور همزمان با مشارکت جمعی آحاد جامعه، خانواده‌ها، برادران ایمانی (تکافل عمومی)، نهادهای خیریه و دولت در کنار همدیگر به انجام می‌رسید. از این رو، می‌توان این الگو را الگوی جامعه‌محور دانست که در آن خدمات تأمین اجتماعی به طور کامل، از طریق

دولت تولید و توزیع نمی‌شود (ناداران و همکاران، 1391). کمک‌های مردمی یکی از پایه‌های اصلی منابع این الگو بوده است.

اصل تأمین اجتماعی نیز به صورت کفالت عمومی و کفالت دولتی انجام می‌گیرد. در کفالت عمومی همه‌ی مسلمانان موظفند با توجه به شرایط و امکاناتشان به تأمین نیازمندی‌های ضروری سایر افراد جامعه اقدام کنند. در واقع رفع نیازهای ضروری فقرا به عهده‌ی اغنیاست. در بخش کفالت دولت نیز دولت اسلامی موظف است در حد کفایت از زندگی به رفع نیازهای نیازمندان بپردازد و حاکم اسلامی با منابعی که در اختیار دارد موظف به رفع این نیازهاست.

- استحقاق‌گرایی (به‌جای عام‌گرایی)

الگوهای تأمین اجتماعی رایج در بیشتر طرح‌های خود، در ناحیه درآمدها و یا مصارف، از روش‌های عام‌گرایانه استفاده می‌کنند. برای مثال، طرح‌های بزرگی مانند بیمه‌های بازنشستگی و خدمات درمانی و مانند آن، از طریق حق بیمه‌های عموم شاغلان تأمین مالی می‌شوند. در ناحیه تخصیص مزایا نیز بر ملاک‌های عامی مانند رسیدن فرد به سن معین، داشتن همسر و فرزند و مانند آن عمل می‌شود؛ اعم از اینکه فرد موردنظر نیازمند کمک باشد یا نه. این‌گونه روش‌ها، علاوه بر اینکه به لحاظ اداری مستلزم دیوان‌سالاری گسترده‌ای است، از نظر مالی هم بسیار پرهزینه است (ناداران و همکاران، 1391).

الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی، در ناحیه درآمدها، عمدتاً متکی بر مازاد درآمد عاملان اقتصادی و منابع عمومی دولت بود. در ناحیه هزینه‌ها نیز موارد پوشش الگو، عموماً از افراد مستحق کمک تشکیل می‌گردید. به‌طور نمونه، از جمله ویژگی‌های خمس و زکات، که دو منبع اصلی تأمین اجتماعی در حکومت علوی بوده‌اند، این است که خمس تنها بر کسانی واجب است که دارای درآمدی مازاد بر مخارج متعارف زندگی باشند. مستحقان زکات نیز تنها کسانی هستند که فاقد درآمد کفاف زندگی هستند.

- توزیع عادلانه سلامت و ثروت (به‌جای تمرکزگرایی)

با استفاده از خدمات توزیع سلامت در جهت تأمین اجتماعی می‌توان با توزیع ثروت در جامعه و بکارگیری دارایی‌ها و اموال دولت و خیرین در راستای اهدا انسان دوستانه و توسعه‌ای فرصت‌های دسترسی اقشار آسیب‌پذیر را به زیرساخت‌های اصلی توسعه فراهم نمود. از این رو ساماندهی خدمات تأمین اجتماعی در حکومت علوی، در عین حالی که از منظر سیاست‌گذاری و نظارت کلان از نوعی مدیریت متمرکز بی‌نصیب نبود، در ناحیه تجهیز و تخصیص منابع عمدتاً مبتنی بر رویکرد منطقه‌ای و محله‌ای بود. تأکید بر اولویت حتمی تخصیص زکات مال و زکات فطره هر منطقه‌ای به نیازمندان همان منطقه و تقدم نیازهای منطقه‌ای در تخصیص سایر درآمدهای بیت‌المال، همچنین برتری انفاق و وقف بر نزدیکان نسبی، سببی و مکانی (همسایگان)، نسبت به سایر نیازمندان و تأکید بر اهدای چهره به چهره و مستقیم کمک‌های مالی و محوریت مساجد در شناسایی، تأمین و حتی گاهی اسکان موقت

نیازمندان، از نشانه‌های بارز وجود این خصیصه در الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی است (قابل، 1383). با حاکمیت چنین الگویی کارآمدی مدیریت اطلاعات نیازمندان تسهیل گردیده و یکی از مشکلات عمده تخصیص خدمات رفاهی در جوامع فعلی، از ناحیه عدم تقارن اطلاعات و پدیده سواری مجانی، به حداقل خواهد رسید. این الگو همچنین، از بروز پدیده دیوان‌سالاری و گسترش هزینه‌های اجرایی خدمات اجتماعی جلوگیری خواهد شد. علاوه بر این، به دلیل مشاهده مستقیم آثار کمک‌های اعطایی، انگیزه عرضه‌کنندگان افزایش می‌یابد و اگر کمک‌ها به صورت اعطا چهره به چهره انجام شود، آثار تربیتی ضمنی هم خواهد داشت.

-همسویی منابع مالیاتی و منابع تأمین اجتماعی
الگوهای کنونی تأمین اجتماعی در تجهیز منابع، عمدتاً متکی بر کسورات حق بیمه شاغلان است. در آنها رابطه قابل توجهی میان منابع و مصارف مالیات‌ها با منابع و مصارف تأمین اجتماعی وجود ندارد. در این شیوه، مجموع مالیات‌ها و کسورات حق بیمه، رقم کلانی را تشکیل می‌دهد که تحمیل آن بر بازار کار، پیامدهای انگیزشی زیانباری به وجود آورده، تأمین مالی نظام‌های تأمین اجتماعی را با بحران مواجه ساخته است. در الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی، چنین دوگانگی وجود ندارد و جهت‌گیری کلی منابع و مصارف مالیات‌ها در راستای تأمین اجتماعی قرار دارد. بهره‌گیری از مزیت این الگو، برای برون رفت از مشکلات مالی نظام‌های فعلی و حل تعارض میان مالیات‌های شرعی و حکومتی مفید خواهد بود (نادران و همکاران، 1391).

ویژگی‌های کارکردی الگوی تأمین سلامت و تأمین اجتماعی

حکومت علوی

1- برنامه ریزی جهت خوداتکایی و توانمندسازی افراد نسبت به وابستگی به کمک‌ها

در سازوکارهای تأمین اجتماعی حکومت علوی ملاحظه شد، راهکار اصولی تأمین نیازهای زندگی در این الگو این بود که افراد، اولاً، از نظر روحی به عزت و استغنائی نفس برسند و وابستگی به کمک‌های دیگران را مذموم تلقی کنند. ثانیاً، با در اختیار داشتن شغل و درآمد مناسب، بدون آنکه نیاز به کمک دیگران داشته باشند، از عهده تأمین زندگی خود برآیند. ثالثاً، با تحصیل توانایی انفاق بر دیگران، زمینه رشد معنوی خود و رفع نیازهای اجتماعی را فراهم آورند. روشن است در چنین چارچوبی، روند امور به سمتی پیش خواهد رفت که عرضه کمک‌های اجتماعی به طور روزافزون افزایش یافته، از تقاضای آن کاسته می‌شود. حتی ممکن است تقاضای کمک‌ها به صفر برسد. وضعیتی که برای منطقه مأموریت معاذین جبل در یمن و بسیاری از مناطق اسلامی در زمان عمر بن عبد العزیز اتفاق افتاد، به گونه‌ای که وجوه زکات جمع‌آوری می‌شد، ولی هیچ دریافت‌کننده‌ای برای آن پیدا نمی‌شد، به روشنی وجود این خصیصه را در الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی ثابت می‌کند (قابل، 1383).

2- اولویت تأمین سلامت اجتماعی نسبت به پیشرفت و رشد اقتصادی

در نگاه علی (ع) عدالت و تأمین نیازمندی‌های سلامت در خدمت رشد و سازندگی اخلاقی و معنوی مردم است. می‌باید برنامه ریزی‌ها به گونه‌ای انجام گیرد که رشد اقتصادی محل به رشد اخلاقی و معنوی نباشد. به عبارتی نباید رشد اقتصادی چنان اصالت بیابد که در پرتو آن، مکارم اخلاقی و فضایل روحی از دست برود. به همین دلیل، ایشان هیچ‌گاه از مشکلات طبقه فقیر جامعه غفلت نکرده و همواره آن را در صدر اولویت‌های خود قرار می‌دادند (مظفری، 1385).

ایشان در فرازی می‌فرمایند: «هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا پریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین چون در آب فرو رفتن آن یا بی‌ابی شکایت نزد تو آورند از هزینه و رنجشان بکاه آنقدر که امید می‌داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد (نهج البلاغه، نامه 53). و در جایی دیگر می‌فرمایند: «هرگز مبادا کسی را از مایحتاجش باز دارید و از رسیدن به خواسته‌اش بی‌بهره نماییدی، هرگز مبادا به مال احدی از مردم دست بیازیدی، مگر آن که اسب و جنگ افزاری بیابید که در تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده باشد» (نهج البلاغه، نامه 53).

3- تعیین چشم انداز و آینده نگری در برخورداری تأمین اجتماعی
تأمین اجتماعی حکومت علوی در حالی که نسبت به تأمین نیازهای زندگی نسل حاضر و گسترش عرضی آن به تمام احاد جامعه حساس بود، منافع نسل‌های بعدی و ابقای ظرفیت‌های بالقوه برای برخورداری آنها از مواهب زندگی را نیز عمیقاً مورد توجه قرار می‌داد. یکی از شواهدی که این مدعا را ثابت می‌کند، نحوه بهره‌برداری از زمین‌های خراجیه در صدر اسلام است. پس از فتح زمین‌های عراق، گروهی از صحابه مانند بلال بن رباح و عبدالرحمان بن عوف خواستار تقسیم این زمین‌ها شدند، ولی رأی خلیفه پس از رایزنی با علی (ع) و جمعی از بزرگان اصحاب بر این قرار گرفت که اصل و ماده این زمین‌ها، برای عموم مسلمانان حفظ و درآمد آن در منافع اسلام و مسلمانان صرف شود (شهابی، 1366، ص 36). این حکم، که با ارشاد یا تقریر امام علی (ع) صادر شد، حکایت از ویژگی میان نسلی تخصیص منابع عمومی در صدر اسلام دارد. سنت وقف، که به معنای حفظ اصل مال و آزاد گذاشتن استفاده از منافع آن است و همچنین استحباب ارث‌گذاری برای فرزندان و وصیت شواهد دیگری بر وجود این خصیصه می‌باشد (نادران و همکاران، 1391).

4- تساوی در اصل دریافت تأمین اجتماعی نسبت به اقلیت‌های مذهبی
از خصوصیات برجسته الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی، فراگیری آن نسبت به تمامی اقوام و اقلیت‌های مذهبی است که در محدوده تحت پوشش حاکمیت اسلامی زندگی می‌کردند. در میثاق‌نامه امت، که پیامبر اکرم (ص) در ابتدای هجرت در مدینه منوره منعقد نمود، حقوق اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان و یهودیان و حتی مشرکان مدینه، مادام که علیه مسلمانان توطئه و اقدام خصمانه‌ای انجام ندهند، محترم شمرده شد و در موادی از آن، به آنها

تصریح گردید (عمیدزنجانی، 1380). کسانی که بر اساس معاهده صلح در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند (اهل ذمه)، چنانچه فقیر بودند از پرداخت مالیات جزیه معاف می‌شدند و سالمندان از کار افتاده آنها، از بیت‌المال مسلمانان تأمین می‌گردیدند. امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، او را به رحمت و ملاطفت نسبت به تمامی انسان‌ها از هر قوم و مذهبی سفارش نموده و ملاک و معیار آن را چنین فرمود: «... آنها یا برادر دینی تواند و یا در خلقت با تو همسانند» (نهج‌البلاغه، نامه 53).

5- ایجاد فرصت برابر برای بالفعل کردن حقوق و توانایی‌ها
برنامه‌های تأمین اجتماعی حکومت علوی، در شرایطی از اوضاع اجتماعی و سیاسی مطرح گردید که جامعه مسلمانان با انواع تهدیدهای قاسطین، مارقین و ناکثین و سایر تهدیدات خارجی مواجه بود. در این شرایط، يك الكوي تأمین اجتماعی نادرست می‌توانست به دلیل وجود فقر گسترده و عدم انسجام اجتماعی و یا وابستگی مردم به کمک‌های تأمین اجتماعی و یا شکل‌گیری انتظارات سنگین مردمی و عدم امکان برآورده شدن آنها توسط دولت و در نتیجه، بروز نارضایتی عمومی، چه بسا تهدیدکننده باشد. با این حال، نظام تأمین اجتماعی حکومت علوی اولاً، به دلیل خدمت صادقانه به مردم و جلب رضایت آنها، پشتمانه محکمی برای دفع تهدیدهای مقابل نظام فراهم ساخته بود و ثانیاً، پایه‌های ایمانی و سازوکار مردمی آن موجب می‌گردید که در زمان جنگ، همه امکاناتی که می‌بایست صرف رفع فقر می‌شد، به علاوه تمامی امکانات جانی و مالی مردم، حتی خود فقرا، در خدمت جنگ قرار گرفته و با پیروزی‌های پی‌درپی و سرازیر شدن غنایم فتوحات، پله‌های صعود امت اسلامی را یکی پس از دیگری رقم بزند و مراتب بالاتری از تأمین اجتماعی را فراهم نماید (نادران و همکاران، 1391). قرآن کریم وجود رحمت و عطوفت نسبت به مؤمنان و مقاومت شدید در مقابل دشمنان با توکل به خداوند را دو خصیصه‌ای می‌داند که موجب شکوفایی امت رسول الله(ص) بوده و خواهد بود (فتح: 29). امام صادق(ع) مواسیات با برادران دینی را وسیله تقرّب به خداوند دانسته است: «تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمَوَاسِيَاتِ إِخْوَانِكُمْ.» (قمی، 1370 ج 2، ص 23). حضرت علی(ع) مواسیات را موجب افزایش روزی دانسته (مجلسی، 1403 ق، ج 71، ص 395). و نیز بهترین احسان نسبت به برادر دینی را مواسیات معرفی کرده است: «أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مَوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ.»

نتیجه گیری

هدف اساسی و اصلی اسلام از برنامه‌های تأمین سلامت و سلامت اجتماعی، زمینه‌سازی و ایجاد بستری برای رشد و تعالی همه افراد جامعه به سوی کمال و سعادت حقیقی - که همان قرب الی‌الله است - می‌باشد. تأمین اجتماعی همچون چتری بزرگ سایه خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است، نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظن که زمینه ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند. با تبتُّع در سیره معصومین (ع)، درمی‌یابیم که پیشوایان دین (علیهم السلام) برای تأمین نیازمندی‌های احاد جامعه، به صور گوناگون اقدام نموده‌اند. به دلیل آنکه مشکلات و گرفتاری‌ها به طور طبیعی گاه به سراغ هر انسانی می‌آیند، یک سلسله از اقدامات آنان معطوف به رفع مشکلات و گرفتاری‌های افراد می‌شده است، که در این زمینه، به شکل‌های گوناگون همچون نماز و دعا اقدام به رفع مشکلات و گرفتاری‌های مردم می‌نموده‌اند.

برخی از اقدامات آنان، که شاید بیشترین اقدامات عملی‌شان را به خود اختصاص دهد، در جهت تأمین نیازمندی‌های فقرا و محرومان جامعه (کسانی که قادر به تأمین مایحتاج زندگی‌شان نمی‌باشند) صورت می‌گرفته است. اقدامات آن‌ها در این زمینه عبارتند از: هشدار دادن به احاد جامعه از غفلت ورزیدن نسبت به همدیگر و ترویج روحیه مواسات در بین مردم تا آنان را به کمک نمودن به فقرا و محرومان جامعه ترغیب نمایند. در همین زمینه، اتفاق به فقرا و نیازمندان به عنوان یکی از راه‌های کمک به فقرا و محرومان در دستور کار آن‌ها قرار داشته است.

در پژوهش حاضر، برای برون‌رفت از مشکلات تأمین سلامت اجتماعی معاصر، الگوی تأمین اجتماعی حکومت علوی مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین مشخصه سازنده این الگو، مبانی بینشی و ارزشی آن بود که از میان آنها، اعتقاد به پروردگار واحد، به عنوان عنصر جهت‌دهنده و انسجام‌بخش همه

برنامه‌ها و رفتارها و اعتقاد به روز رستاخیز و تلاش جهت رستگاری اخروي، به عنوان عنصر نیروبخش اين الگو و نقش اين دو در شکل‌دهي الگوي جديدي از همبستگي اجتماعي، در قالب نهادهايي مانند خانواده، عشيره، اقوام و امت اسلامي مورد تأکيد قرار گرفت. در اين الگو، نيازهاي آحاد اجتماع تحت عناويني مانند فقرا (مساكين و ايتام)، بدهکاران، درراه‌ماندگان، بردگان، سالمندان از کار افتاده، بيماران و در مواردی چون نيازهاي فرهنگي، تهيه مسکن و تشکيل خانواده مورد حمايت جامعه قرار مي‌گرفت.

عمليات اجرايی اين حمايتها و اقدامات، از طريق سه مولفه اصلي پي‌ريزي اقتصاد سالم و ايجاد زمينه خوداتکايي افراد، بسيج مشارکتهاي مردمي (تکافل عمومي) و تشريع نهادهاي قانوني بيت‌المال به عمل مي‌آمد. در نتيجه آنها وضعيت قابل‌قبولي از محو فقر در بسياري از مقاطع زماني و منطقه‌اي به ثبات رسيد. مختصات ساختاري قابل تعميم الگوي تأمين اجتماعي حکومت علوي عبارتند از: وظيفه همگانی (به جاي دولت محوري)؛ استحقاق گرايي (به جاي عام گرايي)؛ منطقه محوري (به جاي تمرکز گرايي)؛ و همسويی منابع مالياتي و منابع تأمين اجتماعي.

الگوي مزبور داراي ويژگي‌هاي کارکردي مطلوبي بود که از ميان آنها بر اولويت خوداتکايي و توانمندسازي افراد بر وابستگي به کمک‌ها، اولويت تأمين سلامت اجتماعي نسبت به پيشرفت و رشد اقتصادي، برخورداري تأمين اجتماعي از کارکرد عدالت بين نسلي، تساوي در اصل دريافت تأمين اجتماعي نسبت به اقليت‌هاي مذهبي، ايجاد فرصت برابر براي بالفعل کردن حقوق و توانايي‌ها تأکيد گرديد. با عنايت به موفقيت الگوي تأمين سلامت اجتماعي حکومت علوي و قابليت تعميم مختصات و ويژگي‌هاي مزبور به شرايط جوامع کنوني، انتظار مي‌رود بهره‌گيري از در طراحي الگوهاي جديد تأمين اجتماعي به برون رفت از مشکلات موجود مفيد واقع گردد.

منابع

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه (1380)، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشهور.

- 1- احمدی میانجی، علی (1419ق)، مکاتیب الرسول، تهران، موسسه فرهنگی دارالحديث.
- 2- اسلامی، احمد (1382). نگاهی نو به زندگانی چهارده معصوم (ع). قم، میثم تمار.
- 3- بابازاده، علی اکبر (1379). سیمای حکومتی امام علی (ع)، قم، انصاریان.
- 4- جعفری، محمد مهدی (1385). مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره 10، شماره 1، بهار 85.
- 5- حکیمی، محمد (1370)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- 6- زاهدی اصل، محمد جواد (1381)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- 7- سیریل، الگود (1371)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه باهر فرقانی، تهران، امیرکبیر.
- 8- شهابی، محمود (1366)، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 9- شیخ مفید، الارشاد (1413)،، قم، مؤسسه آل البيت، 1413، ج 2.
- 10- صاحب فصول، مرتضی (1382)، شکاف طبقاتی، توزیع مجدد ثروت ورهیافت های قرآنی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- 11- صدر، سید کاظم (1387)، اقتصاد صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- 12- طباطبائی، سید محمد حسین (1385)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 2.
- 13- طوسی، جعفر بن حسن (1376)، تهذیب الاحکام، ج 6، تهران، انتشارات صدوق.
- 14- عمید زنجانی، عباس علی (1380). امام علی (ع) و حقوق اقلیتها. فصلنامه کتاب نقد، سال پنجم، شماره 18، بهار.

- 15- قابل، احمد (1383)، اسلام و تأمین اجتماعی، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- 16- قربانی، محمود و حمید نهاردانی (1390)، جایگاه مدیریت نوین منابع انسانی در نهج البلاغه، همایش ملی نهج البلاغه و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، آذرماه.
- 17- قمی، شیخ عباس (1370)، سفینه البحار، تهران، فراهانی، ج 2.
- 18- کتانی، عبدالحی (1384)، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- 19- کلینی، محمد بن یعقوب (1389)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب و دارالتعارف.
- 20- مجلسی، محمدباقر (1403ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- 21- محمدی ری شهری، محمد (1412ق)، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، قم، دارالحديث.
- 22- مظفری، علی (1385)، مردم سالاری از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش اندیشه، سال سوم، بهار.
- 23- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (1389)، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج 2.
- 24- منابع السباعی، مصطفی (1419ق)، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، بیروت، المكتب الاسلامی.
- 25- نادران، الیاس، حسن آقا نظری، سیدرضا حسینی (1391)، الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت های آن برای الگوهای نوین، مجله معرفت اقتصاد اسلامی سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، بهار و تابستان.